

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبهانگ راد
۲۰ اگست ۲۰۱۶

فرمان حمله خمینی به کردستان در ۲۸ مرداد [اسد] ۵۸

قساوت و درنده خوئی رژیم جمهوری اسلامی را صرفاً و صرفاً نمی توان به مرداد ماه، خلاصه نمود؛ اما و به جرأت می توان گفت که این ماه، در تاریخ مبارزاتی خلق رزمنده کرد، فراموش نشدنی ست و می باید آن را، به عنوان یکی از جنایت بارترین روزهای سران نظام به حساب آورد.

در این زمان بود که ضد انقلاب، فرمان جنگ همه جانبه علیه انقلاب را صادر نمود. سردمدار نظام جمهوری اسلامی با وقاحت تمام اعلام نموده است که: "به رئیس کل ستاد ارتش و رئیس کل ژاندار مری اسلامی و رئیس پاسداران اکیداً دستور می دهم که به نیروهای اعزامی به منطقه کردستان دستور دهند که اشرار و مهاجمین را که در حال فرار هستند تعقیب نمایند و آنان را دستگیر نموده و با فوریت به محاکم صالحه تسلیم و تمام مرزهای منطقه را سریعتر ببندید که اشرار به خارج نگریزند و اکیداً دستور می دهم که سران اشرار را با کمال قدرت دستگیر نموده و تسلیم نمایند. اهمال در این امر تخلف از وظیفه و مورد مؤاخذة شدید خواهد شد".

جوهره تفکر غیر انسانی عنصر وابسته به سرمایه را می توان در صدور چنین فرامین جنایت باری دید. خمینی بارها و بارها تأکید نموده است "بشکنید قلم ها" را، "قطع کنید زبان ها" را، به "اشرار" و "مهاجمین" ترحمی بخرج ندهید و "ضد انقلاب" را از منطقه "پاکسازی" کنید تا جامعه از "فساد" نجات یابد!! در حقیقت رژیم جمهوری اسلامی را در کنفرانس «گوادلوپ» با چنین اندیشه و وظایفی به جای نظام شاهنشاهی نشانند تا از ضربات وارده انقلاب - دوران هرج و مرج - مصون نگه دارند. این نظام یورش به مردم را سازمان داد تا بردوام بماند. به عبارتی پرونده رژیم جمهوری اسلامی، لبریز از جنایت، قساوت و مثله نمودن کمونیست ها، مبارزان، مخالفان و انسان های بی گناه و قربانیان نظام های امپریالیستی ست، از آغاز جامعه ایران، شاهد کشاکش عملی مدافعان منافع مردمی از یک سو، و تعرض بی امان و خونبار ارگان های حافظ بقای امپریالیستی از سوی دیگر بوده است، مسلماً کردستان، فقط در این سال و ماه، به خون ننشست و هر روز و هر سال و ماه آن، مترادف با تخریب زندگانی توده های رنج دیده بوده است. سران نظام اولین بهار به اصطلاح آزادی - یعنی فروردین ۵۸ را - و آنهم به بهانه نابودی "اشرار" و "تجزیه طلب" به خاک و خون نشانند، تا امنیت سرمایه باز گردانده شود. خمینی با "قاطعیت" تمام، کمر به نابودی جنبش مسلحانه کردستان بست تا نظام تازه به قدرت رسیده، بر وظایف ضد انقلابی اش تداوم بخشد؛ دستگیر نمود و در نیمه های شب

و بامداد ۲۷ و ۲۸ مرداد ۵۸، دسته دسته از جوانان را به جوخه های اعدام سپرد، تا جنبش مسلحانه کُردستان را از مطالبات اولیه اش باز دارد.

یقیناً و به آسانی نمی توان، آنچه را که در این روز و ماه، بر سر محروم ترین اقشار جامعه مان آمده است، به تصویر کشاند. ضجه کودکان و تخریب خانه های گلی توده های ستمدیده و کُشت و کُشتار مردان، زنان و جوانان، نماد گوشه هائی هر چند کوچک، از جنایات و وحشی گری، نظام جمهوری اسلامی ست. همه حامیان نظام، در هر حد و قواره ای، با فرمان خمینی، به صف شدند تا بر "غانله" کُردستان خاتمه بخشند. ضد انقلابیون حکومتی و غیر حکومتی، کُردستان را با سلاح های متفاوت نشانه گرفتند تا مانع صدمات وارده انقلاب به ضد انقلاب گردند. در این زمان بود که جنگ شدت گرفت و سرتاسر کُردستان، به میدان نبرد مسلحانه تبدیل گردید. قصد رژیم، سرکوب و خلع سلاح جنبش مسلحانه کُردستان بود. تجمع و انتقال نیروهای مسلح از سرتاسر ایران و سازماندهی نیروهای محلی و بومی (جاش ها)، گویای این واقعیت بود که منطق و زبان نظام، در برابر بدیهی ترین خواسته های خلق کُرد و توده های ستمدیده، چیزی جز سرکوب، خون و خونریزی نیست.

به هر حال و اگر چه رژیم جمهوری اسلامی، به یاری دار و دسته های ضد انقلاب و همچنین به دلیل فقدان رهبری پرولتری بر جنبش مسلحانه کُردستان، توانست مسیر این جنبش دورانساز را برگرداند؛ اما، هرگز و هرگز نتوانسته است، از بار تنفر و انزجار میلیون ها توده کُردستان بکاهد. ناباوری عمیق خلق رزمنده کُرد به سیاست های رژیم جمهوری اسلامی و متعاقباً طرح مطالبات دیرینه در شهرها و روستاهای کُردستان، درگیری و مقابله جوانان با سرکوبگران نظام، نمایانگر سر زندگی و پُر نشاطی این خلق در بند می باشد. جنبش کُردستان سربلند و پُر نشاط مانده است، به این دلیل که، سنتاً، باور به آرمان توده ئی دارد؛ به این دلیل که سنتاً، باور به قدرت سلاح در مقابل دشمن مسلح دارد؛ جایگاه این جنبش، از دید تاریخی - و بنابه ده ها دلیل -، ویژه است، به این دلیل که همواره، در برابر نظام های امپریالیستی به پا خاسته است و به دنباله و از آغاز حاکمیت جمهوری اسلامی، به اثبات رسانده است که از پتانسیل مبارزاتی و ظرفیت بسیار بالائی برخوردار می باشد. تمرکز سازمان ها و احزاب، در دوران یورش گسترده و وحشیانه نظام، به باورمندان انقلاب، و متعاقباً حمایت عملی روزانه و بی وقفه از آنان، بازگو کننده همدیگر منافع خلق کُرد با دیگر توده های ستمدیده و همچنین نشاندهنده غیر تعلق این خلق، با سیاست های ارتجاعی نظام های وابسته به امپریالیسم است.

به همین دلیل بی مناسبت نیست تا در ۳۷ مین سال، تعرض رژیم جمهوری اسلامی به کُردستان، یکبار دیگر بر این موضوعات اساسی تأکید گردد که توده های ستمدیده کُرد، زمانی می توانند رژیم را از جان و مال شان پس زنند که با قدرت سلاح به میدان آیند؛ و همچنین بر این امر واقف بود که بدون درس آموزی، و مرزبندی قاطع و روشن با سازمان ها و احزاب وابسته به دولت ها و جناح های متفاوت سرمایه، نمی توان به حقوق دیرینه خود دست یافت. متأسفانه کُردستان - در شرایط کنونی - به مانند دیگر نقاط ایران، از فقدان سازمان انقلابی و کمونیستی در رنج و عذاب است. علاوه بر آن باید اذعان نمود که این منطقه بنابه دلالتی چند و بنابه حضور دار و دسته های ارتجاعی و مسلح سازماندهی شده از جانب قدرت مداران بین المللی، به تار موئی بند است. بنابه چنین حقایق تأسف باری، همه تلاش دشمنان توده های ستمدیده کُرد، بر آن است تا اعتراضات بحق شان را، در جهت امیال و خواسته های منفعت طلبانه شان سازمان دهند؛ با تمام وجود در تلاش اند تا فضای دلخواه خود را در همه نقاط ایران و به ویژه در منطقه کُردستان حاکم گردانند؛ می خواهند با طرح و با ادامه برنامه های از پیش تعیین شده، جنبش رادیکال توده های محروم کُردستان را به انحراف کشانند؛ به میدان آمدن و علم نمودن سیاست "مبارزه مسلحانه تعرضی" و آنهم بعد از سی سال، از گذشت

جنگ و جنایت سرکوبگران نظام، مبین این حقیقت است که جانین بشریت و دیگر دار و دسته های رنگارنگ شان، انگیزه و هدفی جز، گسترده‌گی جنگ های ارتجاعی و پیگیری نقشه های امپریالیستی در منطقه ندارند. سیاستی که سنتاً خلق کرد در تقابل با آنها به صف شده است. به عبارتی واضح تر سیاست و انتخاب خلق کرد، همسوئی با سیاست و انتخاب برنامه ها و نقشه های امپریالیستی نیست؛ انتخاب توده های ستمدیده، مراوده با دولت های منطقه خاورمیانه نیست؛ در حقیقت مقام و منزلت جنبش مسلحانه کردستان، متأثر از افکار و آرمان مردمی ست. جنبشی که همواره و همواره، باورمند به قدرت خودی و پای بند، به همراهی با دیگر جنبش های اعتراضی، علیه حاکمیت امپریالیستی بوده و می باشد.

با این وصف و بنابه تجارب مبارزاتی به جای مانده از جنبش کردستان، لازم به توضیح ست که هرگونه تبادل نظر، و یا همکاری های عملی با دولت ها و جناح های وابسته به سرمایه، چیزی جز تضعیف افکار و اعتراضات رادیکال خلق رزمنده کرد نبوده و نمی باشد. خلق رزمنده کرد، زمانی به خواسته های دیرینه خود دست خواهد یافت که سازمان و یا حزب مدافع وی، جنگ انقلابی و عادلانه ای را، جدا از بند و بست ها و تضادهای درونی سرمایه سازمان دهد. رمز موفقیت و وفاداری از افکار راهجویان انقلاب، و به ویژه جانباخته گان ۲۸ مرداد ۵۸، در انتخاب چنین سیاستی نهفته است.

۱۸ اگست ۲۰۱۶

۲۸ مرداد [اسد] ۱۳۹۵